

زندگانی امام موسی کاظم (ع)

حشمه حکمت

همراه بنی سانی بنی آموز

فاطمه و حکروزی

عنوان و نام پدیدآور : زندگانی امام موسی کاظم (ع) : چشمه حکمت : همراه با داستانی
پندآموز فاطمه دهکردی.
مشخصات نشر : تهران: آثار سخن ، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری : ۲۴۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۴۵-۲-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : موسی بن جعفر، (ع)، امام هفتم، ۱۲۸ - ۱۸۳ ق
موضوع : داستان‌های مذهبی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره : BP/۴۱/۴/۹۴:۹۱۳۹۳
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳
شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۵۳۹۱۷



انتشارات آثر سخن

نام کتاب: زندگانی امام موسی کاظم (ع) : چشمه حکمت همراه با داستانی پندآموز
مؤلف : فاطمه دهکردی
ناشر : آثار سخن
نوبت و سال چاپ : اول، ۱۳۹۳
تیراژ : ۵۰۰
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۴۵-۲-۴
قیمت: ۱۴۵۰۰



تهران ، خ ری کوچه دردار کوچه اعتماد پلاک ۱۰
تلفن : ۰۹۱۲۱۸۳۵۷۰۰-۳۳۵۴۱۴۸۴

فهرست

۷	مقدمه
۹	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: همسایه حد
۲۲	فصل دوم: هیوط عشق بر ی
۳۸	آداب و رفتار از نظر موسی بن جعفر (ع)
۴۰	پاداش کسی که در همه کارها حیاء پیش کند
۴۳	جهالت هارون الرشید
۴۷	دعای چه کسی مستجاب خواهد شد
۴۹	نامه ی پدر موسی بن جعفر (ع) به یاران خود
۵۸	کتاب منتخب الاثر
۶۱	فصل سوم: کوچ پرستوی من
۷	فصل چهارم: علی (ع) کیست
۷	سخنی در مورد آخرت از ائمه معصومین (علیه السلام)
۹۴	کرامات امام کاظم (ع)
۹۸	پیش بینی موسی بن جعفر (ع)
۱۰۱	سخنی در مورد پنج تن در قرآن

- ۱۰۴ صبر حضرت موسی بن جعفر (ع)
 ۱۰۷ نطفه امام در رحم مادر
 ۱۰۸ کمک امام (ع) به نیازمندان
 ۱۱۳ صفت بندگان مومن
 ۱۲۰ ریش کمانی که بدگویی امام (ع) را نزد هارون می کردند
 ۱۳۳ عمل با هم: جستجو
 ۱۴۳ فصل ششم: کمک در خدمت امام (ع)
 ۱۴۹ ولایت علی (ع) در آن
 ۱۵۲ در خدمت امام کرم علیه السلام گفته شد:
 ۱۵۴ پاداش کمک به نیازمندان
 ۱۵۸ در توصیف عقل
 ۱۶۱ کلمات قصاری از آن حضرت
 ۱۶۵ سفاشاتی برای ندگی بهتر
 ۱۶۸ در توصیف مرگ
 ۱۷۰ مرگ مؤمن چگونه است
 ۱۷۲ داستان جالبی در مورد مورچه
 ۱۷۳ نتیجه نافرمانی از امام
 ۱۷۶ نتیجه فریب سادات
 ۱۷۷ بنده چگونه مستطیع می گردد
 ۱۸۰ دعا برای حضرت مهدی علیه السلام
 ۱۸۴ داستانی جالب از حضرت آدم و فرزندان او
 ۱۹۶ فصل هفتم: مرگ مادر

فصل هشتم: در توصیف علم.....	۲۰۲
پند و اندرزهای موسی بن جعفر(ع).....	۲۰۳
سرور آل ابیطالب.....	۲۰۷
پی بزرگ از پیامبر (ص).....	۲۱۰
گناه گناه کار چگونه نوشته می شود.....	۲۱۱
علوم نه از باب پیامبر و انمه گسترش یافته و تا به امروز ادامه دارد.....	۲۱۲
سیر نامیده شدن کربلای کاظم و پدید آمدن مسلک وقف.....	۲۱۵
سخنی در مورد حضرت علی (ع).....	۲۱۷
جانشین حضرت کامل (ع).....	۲۱۹
وصیت نامه حضرت موسی بن جعفر (ع).....	۲۲۲
شهادت موسی بن جعفر(ع).....	۲۲۶
فصل نهم: ورود به ایران.....	۲۴۱
فهرست منابعی که از آنها استفاده شده است.....	۲۴۵

مقدمه

نگامت می‌کنم تا گوشه چشمی به دستهای خالیم کنی.
س خوانمت تا لبیکم گویی. صدایت می‌کنم تا اجابتم کنی. به
پایت من تا لختی دیده بر من بدوزی. زیارتت می‌کنم تا
پناهم دهی. سر به خاکت می‌نهم تا همه بدانند روسیاهیم آزارم
می‌دهد. بنا تو که از طرف خدای تعالی کاظم نام گرفته ای،
هیچ کسی را بر خانات دست خالی بر نمی‌گردانی. می‌دانم
باب الحوائجی شایسته تویی باشد و تو دستان نیازمند را
لبخند زنان به دیار خود می‌گویی. ای عشق نجمه و
صادق (ع) آنقدر مهربانی که مرا به زیارت خواسته و گره ام را
باز می‌کنی. پس می‌گویم ای عزیز...! دوست دارم با آنکه تو را
ندیده ام. در دلم جای داری با آنکه گفتم می‌خواهمت با
آنکه از من دوری. به تو می‌نازم تا اغیار بدانند یک گاهی محکم
دارم. تو که عزیز زهرا (س) و رسول الله (ص) هستی تا به که
ندیده به دامت چنگ می‌زنم و تو از راه دور که نباشی از دیون
قلب مشتاقم، جوابم را می‌دهی.....

پس ای خدای عظیم وای کریم....! مرا در زمره دوست داران
محبین آن حضرت قرار ده تا دنیا و آخرت رستگار شوم.
آمین....

پیشگفتار

ستایش و سپاس خداوندی را سزااست که بی‌نیاز از سپاس
سپاسگزاران خویش است ولی آن را یکی از راههای اعتراف به مقام
لاهوری و تعالی و ربوبی خویش و سبب افزونی رحمت و جاده‌ای
برای طلب کمال نفس و احسان خود قرار داده است.

حقیقت اعتراف به نعمتی بخشی‌اش را در درون لفظ نهان
ساخت، پس از جمله «من بخشی‌اش» یکی همین توفیق
سپاسگزاری بر نعمت بخش اوست و لذا این اقرار لفظی تشکر
آمیز را به جای هر سپاس بزرگ دیگری پذیرفته است.

گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز خدا، یگانه بی‌انبار نیست،
گواهی‌ای که از درونی پاک و با اخلاص پدید آمده و زبانی به آن
گویاست که از راز درست پنهانی حکایت می‌کند. درست خالق
نوساز صورتگر که بهترین نامها [و صفات] از آن او آمده. چیزی مانند
او نیست؛ زیرا همه چیز از خواست و مشیت او نشأت گرفت و آفریده
یارای همانندی با آفریننده خود را ندارد. و گواهی می‌دهم که
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ و آله بنده و فرستاده اوست. در روزگاران گذشته او را
از میان همه امت‌ها برگزیده؛ چه می‌دانست با دیگر ممنوعان خود
همگون و همانند نیست. او را برگزید تا از جانب او امرکننده [به

معروف] و نهی کننده از منکر باشد و در سراسر جهان آفرینش قائم مقام او در به جای آوردن [حق] و پرداخت کننده دین گردد؛ زیرا چشم‌ها او را درنیابند و باطن اندیشه‌ها پی به وی نبرند و پندارها و گمان‌های ژرف و عمیق نتوانند او را در درون مجسم سازند، هیچ
مستحق او نیست که پادشاهی است قدرتمند و مسلط.